

پایان تاریخ مصرف اردوغان برای آمریکا و جایگزینی به نام عبدالله گل

اختلاف داوود اوغلو و اردوغان نه به این چند روز و چند هفته که به سال پیش بر میگردد. زمانی که جریان گولن یک کودتای اداری علیه اردوغان طراحی کرد و بین ۱۷ تا ۲۵ ژانویه کابینه را و مهمتر از آن حیثیت اردوغان را به باد فنا داد.



به گزارش آران نیوز، حزب عدالت و توسعه با وجود تمام قوانین پیش بینی شده در اساسنامه حزب مانند ممانعت از حضور بیش از سه دوره‌ای اعضا در پارلمان، به بن بست رسیده است. این امر ریشه در دو مسئله دارد؛ یکی وابستگی سیاسی و دوم اقتصاد سیاسی در پشت پرده حزب. زمانی که یک بازی سیاسی کثیف شروع شد، بهتر است نفرت کمتری به آن مبتلا شوند تا آن زمان که همه بازیگران موجود در آن غرق شوند و نوبت به بازیگران تازه برسد.

حزب عدالت و توسعه ترکیه اکنون به این مرحله رسیده است. در این مرحله اصطلاحی میان لابی اردوغان در داخل حزب ایجاد شده و طبیعتاً با فقدان شخص اردوغان نتیجه ای جز فروپاشی حزب نخواهد داشت. قانون راهکار عملیاتی اردوغان نیست. اختلاف داوود اوغلو و اردوغان نه به این چند روز و چند هفته که به سال پیش بر میگردد. زمانی که جریان فتح‌الله گولن کودتایی اداری علیه اردوغان طراحی کرد و در تاریخ ۱۷ تا ۲۵ ژانویه کابینه و از آن مهمتر حیثیت اردوغان را به باد داد. در آن روزها در حالی که اردوغان مشغول چینش دیواره دفاعی خود در مقابل جریان فتح‌الله گولن بود، داوود اوغلو در سفر اروپا به سر میبرد و در واکنش به این مسئله گفت همه چیز از طریق قانونی حل خواهد شد.

دقیقاً مشکل اینجا بود. داوود اوغلو بیش از اندازه نقش بچه مثبت را بر عهده گرفته بود و متوجه نبود قرار نیست هر چیزی از طریق قانونی حل شود. این بار اردوغان با مدل عملی خاص خودش وارد میدان شد و با نجات کابینه و حزب از یک زلزله سخت، زیر خم فتح‌الله گولن را گرفت و اکنون شاهد آن هستیم که در حال خاک کردن رقیب است. آنگونه که فردانیوز منتشر کرده است؛ بعد از آن حادثه، جدی ترین اختلافی که آن زمان حتی زمره رفتن داوود اوغلو را نیز بر زبان ها جاری کرد انتخابات خرداد سال پیش بود؛ البته نه نتیجه انتخابات - که شکست محسوب می‌شد - بلکه فرآیند تشکیل دولت. داوود اوغلو معتقد بود که می‌توان با تشکیل یک دولت ائتلافی با «حزب جمهوری خلق» راه برون رفت از سوریه را ایجاد کنیم و پل های فروریخته را درست کنیم. اما اردوغان در برابر این مسئله ایستاد و با مهارت خاص خود - اگرچه به قیمت جنگ داخلی - کشور را به سوی انتخابات زودهنگام کشاند و باز توانست حزب را نجات دهد.

اگرچه در این برهه‌های سخت این اردوغان بود که به داد حزب می‌رسید اما باید از یاد نبرد که داوود اوغلو نیز مرد نمک نشناسی نبود و متوجه بود که در نظرسنجی‌های حزبی او آخرین فرد دبیرکلی بوده و این اردوغان است که او را روی کار آورده است. برای همین یکی از سخت‌ترین برهه‌های حزب را که خلا مدیریتی حاصل از عدم حضور مستقیم اردوغان بود در شرایطی سخت به جهت داخلی، منطقه ای و بین المللی مدیریت کرد. باید اعتراف کنیم حجم کاری داوود اوغلو بی شک یکی از بی نظیرترین نمونه‌ها در میان مقامات خاورمیانه است. او به معنای واقعی کلمه شبانه روز کار می‌کرد.

تغییر مدل حکومت بدون تغییر قانون اساسی سومین و اصلی ترین اختلاف داوود اوغلو با اردوغان به کم کاری داوود اوغلو در قبال طرح اردوغان برای تبدیل نظام سیاسی ترکیه از نخست وزیری به ریاست جمهوری بود. اکنون عملاً کشور دست اردوغان است و تا کنون شش بار کابینه به ریاست اردوغان تشکیل جلسه داده است. در واقع اردوغان کشور را در عمل انجام شده سیستم ریاست جمهوری قرار داده است و این تنها کاغذها است که سیستم پارلمانی را نشان میدهد. در این میان داوود اوغلو چابکی لازم برای فهم این تغییرات را از خود نشان نداد. داوود اوغلو سعی کرد تا حزب عدالت و توسعه را وارد فرآیند قدرت تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و گردش مالی چشمگیر کند. در واقع او شکم‌های فراوانی را اجازه داد تا پر شوند به این امید که نیروی آنها به درد خواهد خود اما آنها تبدیل به مارهایی که از آستین داوود اوغلو بیرون می‌آمدند شدند. داوود اوغلو اگرچه خود یک پاک دست است اما در میان افرادی که طعم پول زیر زبان هایشان مزه کرده بود گیر افتاد و با وجود تمام تلاش هایش برای همراهی با آنها نهایتاً از طرف سیستم پس زده شد. در واقع احمد داوود اوغلو نه برای اشتباهاتش که برای کارهای درستی که انجام داد برکنار شد و کنار گذاشته شدنش بار دیگر این مساله را اثبات کرد که عقل عملی بر عقل نظری در سیاست می‌چربد. در جنگ بین یک روباه و یک شغال این شغال است که پیروز میشود، چون او علاوه بر زرنگی روباه به عنصر بالاتر هم دارد آن هم بی‌حیایی است.

داوود اوغلو عضو لابی آمریکایی حزب شاید چنین تصویری پیش بیاید که بر اساس این نوشته داوود اوغلو یک انسان بی گناه است که در میان گروهی از افراد ناباب گیر افتاده است. اگر چه در برابر این تصور باید گفت که به هیچ وجه چنین نیست و داوود اوغلو یکی از شاخه ها و اهرم‌های لابی آمریکایی در دولت ترکیه بوده اما در عین حال باید اعتراف کرد که داوود اوغلو در فرآیندی که پیش از او تشکیل شده بود وارد شد و چاره ای جز این کارها نداشت.

اگر کتاب های داوود اوغلو مانند کتاب «عمق راهبردی» یا اندیشه اسلامی را مورد نظر و مذاقه قرار دهیم متوجه می‌شویم که داوود اوغلو در دوره نخست وزیری‌اش تمام مبانی ارائه شده در آن کتاب‌هایش را زیر پا گذاشت؛ یعنی چاره ای جز این نداشت.

قربانیان پدر خوانده

حزب عدالت و توسعه در ۳ سال اخیر که وارد برهه جدیدی از حیات سیاسی خود شده است دچار ریزشهای فراوانی از سوی بنیانگذاران و نفرت اصلی حزب شد. اصلی ترین این ریزشها اشخاصی همچون عبدالله گل، یاشار یاکیش، عبداللطیف شزر، بولنت آربینچ و اکنون احمد داوود اوغلو است. اگرچه نمی‌توان داوود اوغلو را در ردیف چند شخصیت دیگر قرار داد چرا که آنها جزء بنیان‌گذاران حزب بوده‌اند اما داوود اوغلو جز افرادی است که پس از تشکیل حزب وارد جریان امور شده است اما اکنون با وجود خصومت و چشم هم چشمی هایی که بین افراد فوق و داوود اوغلو بود اما اکنون همه آنها در یک جبهه قرار گرفته اند. همه آنها قربانیان "رئیس" هستند که اکنون دیگر بیشتر تبدیل به یک پدرخوانده شده است.

اما آیا داوود اوغلو نیز به سرنوشت عبدالله گل مبتلا خواهد شد؟ یعنی در یک سکوت به سر خواهد برد و از حزب کناره گیری خواهد کرد؟

عبدالله گل عامل انحراف در حزب نجم‌الدین اربکان

برای پاسخ به این سوال باید ابتدا یک پیش فرض اشتباه را اصلاح کرد و آن هم این که عبدالله گل از سیاست کناره گیری نکرده و سر در گریبان خود فرو نبرده است. اجازه دهید قبل از ورود به آینده سیاسی داوود اوغلو وضعیت حال عبدالله گل را بررسی کنیم: عبدالله گل سرشاخه ارتباط دستگاه های اطلاعاتی غربی با جریان نخبگانی محافظه کار ترکیه است. در واقع کسی که حزب رفاه به ریاست مرحوم نجم‌الدین اربکان را به انشعاب کشاند گل بود نه اردوغان.

گل با تلاش های خود امکان دیدار آبراموویچ (سفیر وقت آمریکا در آنکارا) با اردوغان را ایجاد کرد و به این صورت پایه های تشکیل حزب عدالت و توسعه شکل گرفت. پس از ریاست جمهوری اردوغان، نظرسنجی های حزبی نشان میداد که بیشتر اعضای حزب عدالت و توسعه خواستار بازگشتن عبدالله گل به حزب و دبیرکلی او هستند. اما اردوغان با توجه به قدرت لابی بالای گل در درون حزب و نیز نیروی اقتصادی مالی ای که گل توانسته است در سالهای اخیر به دست بیاورد متوجه خطری شد که از حضور گل

در حزب برای تاثیرگذاری خودش به وجود می آمد. بنابراین فضا برای ورود داووداوغلو که اتفاقاً در نظرسنجی ها پایین ترین مقبولیت را داشت مهیا شد. گل به طرز مودبانه ای فعالیت های درون حزبی اش را ادامه داده و از طریق افرادی مانند بولنت آرینج و چند تن از سابقون حزب فشارهایی را متوجه اردوغان کرد. در این برهه اتفاقاً گل حس ناخوشایندی به داووداوغلو از خود نشان داد. چرا که در نظر گل و همراهان او داووداوغلو یک فرصت طلب بود که بر سر سفری ای که آنها با خون دل پهن کرده بودند حاضر شده و خود را تبدیل به مهمان ویژه این سفره کرده بود. داووداوغلو سعی داشت تا با طیف سازی در داخل حزب تا حد ممکن توان سیاسی حزب را به چنگ آورد. آمریکا به دنبال تاسیس حزب اسلام گرای جدید در ترکیه زمانی که عبدالله گل متوجه ناکامی خود در بازگشت قدرتمند به حزب شد تصمیم به تشکیل یک حزب مستقل گرفت. بر اساس اطلاعاتی که از درون این حزب تشکیل نشده به دستم رسیده باید عرض کنم، نام، آرم، اساسنامه و خلاصه همه چیز حزب آماده است. در واقع آمریکا یک حزب آلترناتیو با ظاهری محافظه کار و اسلامی را به عنوان جایگزین عدالت و توسعه تدارک دیده است. اما با آغاز جنگ داخلی در جنوب شرق ترکیه فعلاً مسئله مسکوت مانده است. ارگان مطبوعاتی این حزب چند هفته است که آغاز به نشر کرده است. (طبیعتاً با نام روزنامه مستقل نه یک ارگان حزبی) اجمال آنکه گل در وضعیت فعلی سیاسی ترکیه تقریباً کار خاصی نمیکند اما برای فردای ترکیه یک گزینه بسیار قوی است. عبدالله گل، پسر و برادرش تا تابستان سال گذشته قریب به ۵۰۰ شرکت در حوزه انرژی در ترکیه ثبت کرده اند. بزرگترین پروژه های پیمانکاری در حوزه نیروگاه های مختلف جاده سازی و سد سازی در اختیار شخص گل است. زمانی که حجم گردش مالی ۵۰۰ شرکت را در نظر بگیریم متوجه میشویم که این فرد در واقع برای خود یک دربار دارد که دهها قلم به دست، سیاستمدار و مرد عمل در اختیار او هستند. گل نه یک شکوفه که یک شعله پنهان در زیر خاکستر سیاست ترکیه است و هر لحظه امکان دارد سر برآورد. در این میان اگر شایعات مربوط به مریضی اردوغان و ناتوانی پزشکان از معالجه او را جدی بگیریم و احتمال از میان برداشته شدن اردوغان در زمانی نه چندان دور را تصور کنیم در این هنگام است که اهمیت گل چند برابر می شود. آمریکا به دنبال تاسیس حزب اسلام گرای جدید در ترکیه/ پدرخوانده سیستم حکومتی ترکیه را تغییر داد / بیماری اردوغان و آینده ترکیه اتحاد عبدالله گل و داووداوغلو بر علیه رئیس اما داووداوغلو خود می داند که توان سیاسی، مالی و تشکیلاتی گل را ندارد. برای همین آنچه در سخنرانی وداع خود در ساختمان مرکزی حزب عدالت و توسعه در آنکارا بیان کرد به عنوان نماینده مجلس و عضو قانونی حزب باقی خواهد ماند و به فعالیت و همراهی با حزب ادامه خواهد داد. در این میان یک احتمال بسیار قوی وجود دارد و آن هم این که می توان پیش بینی کرد که در ماه های آینده رقبای قدیم، یعنی عبدالله گل و داووداوغلو که البته هر دو متعلق به طیف لابی آمریکایی در دولت ترکیه هستند به همدیگر نزدیک شده و علیه اردوغان سر به شورش بگذارند. ترکیه در حال پشت سر گذاشتن یکی از حساس ترین برهه های سیاست داخلی خود است که می تواند آینده این کشور را تحت تاثیر خود قرار دهد. درگیری های موجود تنها دردهای بروز یافته یک دگردیسی سنگین در بنیان های پشت پرده سیاست ترکیه است. /مسعود صدرمحمدی